

The Yemen Crisis from the Perspective of the International Community with Reference to the United Nations Charter

Elham Karimi¹, Sohrab Salahi², Abu Mohammad Asgarkhani³

¹ PhD. Student, Department of Law and Political Science, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. elhamkarimi3294@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Imam Hussein (AS) University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). Salahi.sohrab@gmail.com

³ Associate Professor, Department of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. asgarkha@ut.ac.ir

Abstract

The aim of this study is to examine the Yemen crisis from the perspective of the international community with a focus on the United Nations Charter. The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that, regardless of the objectives of Saudi Arabia and its allied states in attacking Yemen, and independent of whether the aggression against Yemen was legal under the rule prohibiting the use of force in international relations—which is the cornerstone of the formation of the United Nations—and irrespective of whether the Yemen conflict is classified as international, all parties involved in the Yemen war are bound by the treaties to which they are signatories. Based on this framework, and relying on extensive and legally admissible evidence, it can be concluded that the forces attacking Yemen have repeatedly committed three international crimes: "war crimes", "crimes against humanity", and "genocide." The perpetrators of these crimes must be pursued, tried, and punished according to existing treaties by competent judicial authorities. Furthermore, Yemen's courts and the courts of the signatory states of the four Geneva Conventions (1949) are considered the most appropriate judicial bodies, given their universal jurisdiction.

Keywords: Yemen, United Nations Charter, International Obligations, War, Human Rights, International Law.



بحران یمن از رویکرد جامعه بین‌المللی با نگاهی به منشور سازمان ملل

الهام کریمی^۱، سهراب صلاحی^۲، ابومحمد عسگرخانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی قشم، ایران.

elhamkarimi3294@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Salahi.sohrab@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. asgarkha@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی بحران یمن از رویکرد جامعه بین‌المللی با نگاهی به منشور سازمان ملل است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که، صرف‌نظر از اینکه اهداف عربستان و دولت‌های هم‌پیمان این کشور در تهاجم به یمن چه بوده و فارغ از اینکه آیا تهاجم به یمن از منظر قاعده منع توسل به زور، در روابط بین‌الملل که سنگ زیرین تشکیل سازمان ملل است، قانونی بوده است یا خیر؛ و فارغ از اینکه، مخاصمه یمن، بین‌المللی تلقی می‌گردد یا نه، طبق معاهداتی که همه طرف‌های درگیر در جنگ یمن از متعاهدین آن هستند، آنها در این مخاصمه بین‌المللی موظفند که در چهارچوب این معاهدات عمل کنند. مبتنی بر این چارچوب و با اتکاء به اسناد گسترده و محکم‌پسند موجود می‌توان گفت که نیروهای مهاجم به یمن به صورت مکرر مرتکب سه جنایت بین‌المللی «جنگی»، «علیه بشریت» و «نسل‌کشی» شده‌اند که مرتکبین این جرایم باید براساس معاهدات موجود و از سوی مراجع قضایی صالحه مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرند. همچنین دادگاه‌های یمن و کشورهای متعاقد کنوانسیون چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) براساس صلاحیت جهانی، محاکم مناسب‌تر به‌شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: یمن، منشور سازمان ملل متحد، تعهدات بین‌المللی، جنگ، حقوق بشر، قوانین بین‌المللی.

استاد به این مقاله: الهام کریمی، سهراب صلاحی، سهراب؛ عسگرخانی، ابومحمد (۱۴۰۳). بحران یمن از رویکرد جامعه بین‌المللی با نگاهی به منشور سازمان ملل. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۳)، ص ۱۱۷-۱۳۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در حالی که قاعده منع توسل به زور، جزء قواعد آمره حقوق بین‌الملل به‌شمار آمده و پذیرش جهانی پیدا کرده است، در این راستا و براساس بند ۴ ماده ۲ منشور، کشورها متعهدند که در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری نمایند؛ مگر اینکه چنین حمله‌ای شرایط مقرر در ماده ۵۱ منشور در خصوص دفاع مشروع را دارا باشد، یا شورای امنیت مطابق با ماده ۴۲ چنین امری را تجویز نماید. لیکن با تمامی موارد مذکور ملاحظه می‌شود که رویکرد دولت‌ها و جامعه بین‌الملل در خصوص حمله عربستان به یمن یکسان نبوده و در خصوص مشروعیت آن اختلاف‌نظرهای جدی و عمیقی وجود دارد؛ به‌طوری که شورای امنیت درباره این حمله، پس از آن واکنش مثبت نشان داده و این موضع سازمانی است که وظیفه اصلی آن حفظ صلح می‌باشد و تحلیل این موضوع از اهمیت خاص دیگری هم برخوردار است؛ زیرا از بدیهیات اولیه بررسی هر جنگی، آثار شوم انسانی و خسارات مالی آن است. در بُعد خسارات انسانی، تلفات سنگین و کشتار هزاران انسان و معلول و زخمی شدن ده‌ها هزار انسان دیگر و آثار روانی جنگ بر مصدومین و خانواده کشته‌شدگان، امری روشن و غیرقابل انکار است و در بُعد خسارات مالی، بی‌خانمان شدن مردم شهرهای جنگ‌زده و آثار سوء فقر و آسیب‌های اجتماعی و ورود خسارات مالی و از بین رفتن سرمایه‌های کلان ملی و عقب‌افتادگی کلی کشور آسیب‌دیده، همگی بخش کوچکی از آثار جنگ می‌باشند. عنوان «بدترین بحران انسانی در جهان»، توسط اتحادیه اروپا به درگیری در یمن اطلاق شده که سازمان ملل متحد آن را به عنوان «بحران کاملاً انسانی» توصیف کرده است (تریستان دونینگ^۱، ۲۰۱۸). جنگ، چالش‌هایی از قبیل فقر، سلامت ضعیف و کمبود نیازمندی‌های اولیه مانند آب، سوخت و دارو، که موجب سوءتغذیه شدید شده را به وجود آورده و حدود نیمی از کودکان یمن تحت تأثیر سوءتغذیه مزمن قرار دارند.

مطابق مواد ششم، هفتم، هشتم و نهم اساسنامه رم، دادگاه بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به چهار جرم بین‌المللی جنایت «تجاوز»^۲، جنایت «جنگی»^۳، جنایت «علیه بشریت»^۴ و جنایت «نسل‌زدایی» صلاحیت دارد. دادگاه بین‌المللی کیفری، دادگاهی مستقل و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است و برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری، یکی از ارگان‌های تابعه سازمان ملل متحد

1. Tristan Dunning

2. Agression

3. War Crimes

4. Crimes against humanity

نیست. البته، سازمان ملل نقش قابل توجهی در تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری داشته است. در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری آمده که این دادگاه فقط به جرائم بین‌المللی می‌پردازد. نکته حائز اهمیت این است که جنایت نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت از جنایات جنگی منفک هستند؛ زیرا ممکن است این دو جنایت بین‌المللی هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح اتفاق بیفتند.

۲. پیشینه تحقیق

دوارک^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «چگونه درگیری یمن به یک بحران انسانی ویران‌گر تبدیل شد»،^۲ نشان داد که درگیری‌هایی که به طرفیت کشور عربستان در یمن اتفاق افتاده، بزرگ‌ترین بحران بشردوستانه را رقم زده است. گیلو کاپی^۳ (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی با عنوان «بحران انسانی در یمن: فراتر از فاجعه انسانی»^۴ نشان داد که بحران انسانی در یمن به سرعت در حال رشد است. میلیبند^۵ (۲۰۱۸) معتقد است که بحران انسانی یمن به‌طور منحصربه‌فردی وضع بدتری دارد. وجود عوامل فزاینده، آسیب‌پذیری یمن را به شدت زیاد کرده است.

۳. حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه

در مسیر فرآیندی تعیین کیفر نقض حقوق جنگ، لیست ۳۲ گانه‌ای از جرایمی که توسط سربازان آلمانی در جنگ جهانی اول مرتکب شده بودند و بوسیله کمیسیون تعقیب جنایات جنگی آماده شده بود، پس از جنگ جهانی دوم در دادگاه نورنبرگ مورد استناد قرار گرفت. دادگاه نظامی نورنبرگ اولین محکمه بین‌المللی موقتی است که در قرن بیستم توسط قدرت‌های پیروز جنگ جهانی دوم تشکیل شد و متعاقباً از سوی ۱۹ کشور دیگر مورد حمایت قرار گرفت. منشور دادگاه از سوی چهار قدرت آمریکا، روسیه، انگلیس و فرانسه که رایش آلمان بدون قید و شرط تسلیم آنها شده بود، تدوین گردید. این دادگاه در مقابل کسانی که با ملاحظه قاعده «هیچ جرمی بدون قانون وجود ندارد» و معتقد بودند که به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تجاوز شده است، اظهار داشت که این قاعده محدودکننده حاکمیت نیست، در این صورت کسانی که بدون اخطار، دولت‌های همسایه را مورد حمله قرار دادند، اگر مجازات نشوند، ناعادلانه است. اینگونه بود که دادگاه، حاکمیت دولت را به نفع آنچه که مسئولیت کیفری فردی است، رد کرد. مطابق نظر این دادگاه، جنایات بر ضد حقوق بین‌الملل از سوی

1. Vincent Durac

2. How the Yemen conflict became a devastating humanitarian crisis

3. GIULIO COPPI

4. The Humanitarian Crisis in Yemen: Beyond the Man-Made Disaster

5. Miliband

افراد و نه از سوی موجودیت‌هایی انتزاعی [دولت‌ها] ارتکاب می‌یابند، و تنها با مجازات کسانی که مرتکب این جرایم می‌شوند، مقررات حقوق بین‌الملل می‌تواند تضمین شود (چایساری و کریانگ، ۱۳۸۲، ص ۳۷). در سال ۱۹۴۹ میلادی، جامعه بین‌المللی دولت‌ها تصمیم به بازخوانی حقوق بشردوستانه بین‌المللی گرفتند؛ زیرا این اعتقاد وجود داشت که منشور ملل متحد با فقدان ضمانت اجرای مؤثر، قادر نخواهد بود از وقوع جنگ و یا از ارتکاب جنایات جنگی جلوگیری نماید. پیشینه این اقدام در مطالعه‌ای بود که از سوی صلیب سرخ جهانی در سال ۱۹۳۴ میلادی انجام گرفت. نتیجه این مطالعه، پیشنهاد الزام دولت‌ها به تصویب قانونی خاص در رابطه با کنوانسیون ژنو ۱۹۲۹ برای بهتر شدن وضع مجروحان، بیماران و رفتار با اسیران جنگی بود. جرم‌انگاری جنایات جنگی که در قالب رژیم نقض‌های فاحش در کنوانسیون‌های ژنو پذیرفته شد، در واقع پاسخی به این تقاضا و به‌منظور تضمین رعایت مقررات و اجرای کنوانسیون‌ها بود (دورمن و همکاران^۱، ۲۰۰۹م، ص ۷۰۴).

هرچند برخی کشورها در ابتدا در مقابل شناسایی جرایم جدید به جهت احتمال تعارض این جرایم با حقوق کیفری ملی خودشان مقاومت می‌کردند، اما سرانجام به جهت آثار و پیامدهای تأسّف‌بار جنگ جهانی دوم و با این امید که این «فاجعه دیگر تکرار نشود»، موافقت خود را با جرم‌انگاری جنایات جنگی در قالب رژیم جدید «نقض فاحش» اعلام کردند (بست^۲، ۱۹۹۴م، ص ۳۹۶).

در ابتدا اصطلاح «جنایت جنگی» برای نظام جرم‌انگاری کنوانسیون‌های ژنو پیشنهاد گردید، اما با این استدلال که این اصطلاح باید منحصر به نقض مقررات لاهه باشد، پذیرفته نشد (همان، ص ۶۴۷). از دیگر مقررات پذیرفته شده حقوق بین‌الملل عرفی که تضمینات اساسی نسبت به همه اشخاصی که در یک طرف درگیری قرار می‌گیرند، حتی اگر محق به وضعیت اسیر جنگی نباشند، را مقرر می‌نماید، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی است. این ماده شامل مهم‌ترین و اساسی‌ترین حمایت‌ها و تضمینات بنیادین از جمله تضمینات قضایی بوده که ترویج و اشاعه حقوق بشردوستانه و اصول بنیادین آن را تسهیل می‌نماید. تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز مؤید آن است که ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی حتی بیشتر از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو که یک «کنوانسیون کوچک» نامیده می‌شود، الزامات حقوقی به خصوص در زمینه تضمینات قضایی را بیان داشته است (ماترسون^۳، ۲۰۰۶م، ص ۵۴۶).

اصول مقرر در ماده ۷۵ به دلیل ماهیت خود که شامل رفتار انسانی و استانداردهای محاکمه

1. Dorman
2. Best
3. Matherson

عادلانه می‌شود، به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی شناخته می‌شود. چنانکه، عرفی بودن این ماده توسط دولت ریگان، رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز پذیرفته شده بود و حتی در اظهارات مقامات رسمی ایالات متحده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر نیز مورد تأیید قرار گرفته است (گلدمن و تیت‌مور^۱، ۲۰۰۲م، ص ۳۸). دیوان کیفری بین‌المللی نیز در اساسنامه خود تفسیر موسع از جرایم جنگی را پذیرفت. دیوان در بند ۲ ماده ۸ اساسنامه خود جنایات جنگی را شامل نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو دانسته و این نقض‌ها را اعمالی به‌شمار آورده که علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو صورت می‌گیرند. همچنین، در قسمت (ب) همین بند، دیوان اعمال دیگری که نقض جدی حقوق و رسوم جنگ در منازعات مسلحانه هستند را جنایات جنگی قلمداد کرده است. در قسمت (ج) نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، جنایات جنگی محسوب شده و سرانجام در قسمت (ه) همین بند، اعمال دیگری که نقض جدی حقوق و رسوم جنگ در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی باشند نیز مشمول عنوان جنایات جنگی قرار گرفته‌اند. در دهه‌های اخیر، حقوق بشر بین‌المللی نیز در مخاصمات مسلحانه نقش تکمیل‌کننده‌ای پیدا کرده که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. جنایات بین‌المللی ارتكابی در دوران تهاجم به یمن

صرف‌نظر از اینکه در یک مخاصمه مسلحانه، ابتدا به تهاجم طرفین یا یکی از آنها مشروع یا غیرمشروع باشد، مطابق حقوق بین‌الملل یک‌سری قواعد و مقررات در کنوانسیون‌های مختلفی مورد تأیید قرار گرفته که نقض آن، از سوی هر فرد یا مقامی مسئولیت کیفری دارد. در تطبیق با مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، اسناد محکمه‌پسندی وجود دارد که تأیید می‌نماید جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایات نسل‌کشی در تهاجم دولت عربستان و کشورهای هم‌پیمان این کشور به یمن، ارتکاب یافته است. در مقایسه با بحران‌هایی که در جهان وجود دارد، طبق گزارش اخیر سازمان ملل، جنگ در یمن به بدترین بحران انسانی در کره زمین تبدیل شده است.^۲ از سوی دیگر و از جهت امنیتی، افزون بر حضور و فعالیت شدید القاعده، داعش نیز پس از شکست در سوریه، در حال استقرار و تجدید قوا در یمن است. با توجه به نقش استراتژیک یمن و تسلط آن بر دریای سرخ و باب‌المنندب، در واقع تهدید بزرگی برای ثبات خاورمیانه به‌شمار می‌رود و از آن جهت که بسیاری از کشتی‌های نفتی و تجاری جهان از این منطقه عبور می‌نمایند، می‌تواند برای صلح و امنیت جهانی نیز خطرآفرین باشد.

1. Goldman & Tittlemore

2. Untangling the Yemen Crisis (2020), American University Washington College of Law, <https://digitalcommons.wcl.american.edu>

۴-۱. جنایات جنگی

جنایات جنگی یعنی نقض قوانین یا عرف‌های جنگی؛ چنین نقض‌هایی گسترده خواهد بود، بدون قید انحصار شامل: قتل عمد، بدرفتاری، تبعید جمعیت غیرنظامی برای بردگی گرفتن یا به هر منظور دیگری در سرزمین‌های اشغالی، قتل عمد یا بدرفتاری با اسرای جنگی یا اشخاص در دریاها، کشتن گروگان‌ها، غارت اموال عمومی یا خصوصی، تخریب خودسرانه شهرها، روستاها، یا تخریبی که با ضرورت نظامی توجیه نشده باشد (صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۷۵). در طول جنگ عربستان علیه یمن با اینکه براساس اصول حقوق بین‌المللی بشردوستانه اماکن درمانی، اماکن مذهبی و تاریخی و تأسیسات زیربنایی کشورها، مصون از حمله و تخریب هستند و طرف مرتکب، مشمول جرائم جنگی می‌گردد، اما چندین بار این اماکن توسط رژیم سعودی مورد حمله قرار گرفته و تلفات گسترده‌ای را ایجاد نموده است. بنابراین، جرم جنایات جنگی این ائتلاف در این مورد نیز مشهود و قابل اثبات است (فضایلی، ۱۳۹۵، ص ۶۴). از جمله دیگر جنایات جنگی، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه صلیب سرخ جهانی به قربانیان (نظامی یا غیرنظامی) در حملات ائتلاف عربی علیه یمن است؛ براین اساس، می‌توان با قطعیت گفت که اکثر رفتارهای ائتلاف عربستان در قلمرو یمن، مصداق جنایات جنگی است. کشورهای بحرین، قطر، کویت، امارات، مغرب، سودان، اردن و مصر که از جمله کشورهایایی هستند که به رهبری عربستان به یمن حمله کرده‌اند، هریک به سهم خود، در ارتکاب این جنایات جنگی مقصر هستند و این جنایات قابل پیگرد بین‌المللی برای هریک از آن‌ها، به‌طور مجزا است (منتظران، ۱۳۹۷).

مرکز اروپایی قانون اساسی و حقوق بشر بر این باور است، همانطور که در دادگاه نورمبرگ و پس از آن نیز آشکار شده است، آنگاه که جنایات سنگین اتفاق می‌افتد، فقط رهبران سیاسی و نظامی نیستند که مسئولیت کیفری دارند، بلکه نقش مدیران شرکت‌ها در این اقدامات نیز باید مورد بررسی قرار گیرد، خاصه در تجارت اسلحه. در این پژوهش بر این نکته تأکید شده است که داشتن مجوز صادرات سلاح از سوی مقامات عالی کشورها، نمی‌تواند مدیران و رؤسای کمپانی‌های ساخت و تجارت اسلحه را از مسئولیت کیفری معاف نماید؛ زیرا آنها موظف‌اند اقدامات خودشان را با موازین حقوق بشر تطبیق دهند.^۱ در واقع تمام کسانی که در جنگ یمن، مقررات حقوق بین‌الملل را در دو حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نقض کرده‌اند، به خصوص ایجاد محرومیت از زندگی در یمن

1. ECCHR: QUESTIONS AND ANSWERS, Accountability for alleged war crimes in Yemen - European arms exporters' responsibility is a case for the International Criminal Court (2019) https://www.ecchr.eu/fileadmin/Q_As/QA_ICC_arms_Yemen_ECCHR_CAAT_Mwatana_Amnesty_Delas_Rete.pdf.

به طور عمدی و دیگر حقوق غیرقابل اجتناب و بنیادی بشر، مرتکب جنایات بین‌المللی گردیده، و همه کشورها باید مطابق حقوق بشردوستانه که آنها را مکلف نموده است، به تعقیب، محاکمه و مجازات آنها بپردازد (قریشی^۱، ۲۰۲۰م، ص ۲۵۴).

۴-۲. جنایت علیه بشریت

فساد گسترده و فرار سرمایه، در کنار تنزل و فرسایش شدید زیست‌محیطی، بیکاری بالا و جنگ‌های مداوم در یمن منجر به ایجاد بحران انسانی شدید شده است؛ به گونه‌ای که ۵۵ درصد مردم یمن از ناامنی غذایی و نبود خدمات بهداشتی رنج می‌برند. آنچه که به این مشکلات وخامت بیشتری داده است، وجود حدود ۲/۱ میلیون آواره از کشورهای اتیوپی، سومالی و سوریه است و بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر نیز در داخل مجبور به مهاجرت شده‌اند. یمنی‌ها همچنین از حملات مداوم القاعده و هوایماهای بدون سرنشین امریکایی‌ها به شدت رنج می‌برند (نجوا^۲، ۲۰۱۳م، ص ۳). از نظر اوضاع اقتصادی-اجتماعی، یمن فقیرترین کشور منطقه خاورمیانه بوده و حداقل ۵۸ درصد کودکان این کشور از سوءتغذیه رنج می‌برند. همچنین نرخ رشد جمعیت سالانه یمن حدود ۲/۳ درصد است، حال آنکه منابع طبیعی انسانی و دولتی این کشور محدود بوده و تاب تحمل چنین رشد جمعیتی را ندارد (ایسا^۳، ۲۰۱۱م، ص ۱).

اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به تبعیت از ماده ۵۴ اولین پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو، گرسنگی دادن به غیرنظامیان را به عنوان یک روش جنگی، ممنوع کرده است. بند ۲ ماده ۵۴ همین پروتکل نیز گرسنه نگه‌داشتن از طریق محروم کردن غیرنظامیان از منابعی که برای بقایشان ضروری است را ممنوع کرده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر همین ماده بیان داشت که گرسنگی دادن با همان مفهوم معمولی تعریف می‌شود که برای هرکسی قابل درک است. هرگاه نیروهای نظامی کشوری مزارع و باغ‌هایی را که منبع تغذیه غیرنظامیان کشور مقابل است، نابود کنند، مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. این جرم می‌تواند در صورت داشتن سایر شرایط جنایت علیه بشریت، مصداق نابودسازی^۴، آبارتاید^۵ و سایر اعمال غیرانسانی نیز باشد.

یکی دیگر از مشکلات مهم اجتماعی یمن، معضل بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان است. رشد جمعیت بالا در یمن از یک‌سو و ناتوانی حکومت در اشتغال‌زایی از سوی دیگر، موجب شده که نرخ

1. Waseem Ahmad Qureshi
2. Najwa
3. Isa
4. Extermination
5. The crime of apartheid

بیکاری در این کشور بسیار بالا باشد. نرخ بیکاری در یمن ۲۸ درصد است که از این نسبت حدود ۵۷ درصد را جوانان تشکیل می‌دهند (صادقیان و احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۲۶۱). به این ترتیب، هجوم عربستان سعودی و محاصره شدید اقتصادی یمن، بیش از آنکه در جبهه نظامی اثرگذار باشد، غیرنظامیان را هدف قرار داده و سبب شده تا این رخداد نمایشگر یک نمونه عینی نقض حقوق بین‌المللی باشد (زمانی، ۱۳۹۱؛ هگل^۱، ۱۹۹۸). سه عامل اصلی بزرگ‌ترین بحران گرسنگی در جهان شامل برچیده شدن سیستم بانکی یمن در نتیجه حملات، حملات نظامی به تولید محصولات کشاورزی و غذایی و محصولاتی که برای زنده ماندن انسان‌ها ضروری است، می‌باشد (OIS).^۲ همچنین محاصره فرودگاه‌ها و بنادر دریایی که باعث انسداد کمک‌های بشردوستانه می‌شود (گراهام،^۳ ۲۰۲۰م، ص ۲۷۶).

مرکز پژوهش و اطلاع‌رسانی اقتصادی یمن اخیراً در گزارشی اعلام کرد که ۸۵ درصد (۲۳ میلیون نفر) از کل جمعیت ۲۷ میلیونی یمن با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند، این در حالی است که این رقم پیش از آغاز جنگ، ۴۵ درصد بوده است. طبق گزارش شاخص‌های اقتصادی یمن، در نیمه نخست سال ۲۰۱۷، بالغ بر ۱۷ میلیون نفر از مردم این کشور فقیر، امنیت غذایی نداشته‌اند، ۲۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر نیز نیازمند کمک‌های فوری بشردوستانه بوده و ۹ میلیون و ۸۰۰ نفر دیگر نیز در خطر قحطی و مرگ ناشی از گرسنگی قرار داشته‌اند. براساس این گزارش، حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار کودک از سوء تغذیه حاد و ۴۶۲ هزار نفر دیگر نیز از سوء تغذیه وخیم رنج می‌برند. افزون‌بر آنکه تعداد زنان یمنی دارای سوء تغذیه به یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر و شمار زنان بارداری که به دلیل سوء تغذیه جانشان در خطر است، به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیده است. همچنین طبق گزارش سازمان ملل، یمن رتبه ۱۵۱ را از میان ۱۷۷ کشور بررسی شده در زمینه شاخص‌های توسعه انسانی داراست. این شاخص مبتنی بر معیارهایی مانند امید به زندگی، تحصیلات و سطح زندگی است.

۴-۳. جنایت نسل‌کشی

پس از پایان جنگ دوم جهانی و در دسامبر ۱۹۴۶، سازمان ملل با تصویب قطعنامه شماره I-۹۶ برای اولین بار به صراحت اعلام نمود که: «نسل‌زدایی جرمی به موجب حقوق بین‌الملل است و جهان متمدن آن را تقبیح می‌کند» (Andreopoulos, 1994). با وجود این، دو سند مهم بین‌المللی در خصوص نسل‌زدایی منعقد گردیده است. نخست؛ در

1. Hegl

2. Object Indispensable to Survival

3. Laura Graham

تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی را تصویب نمود. پس از آن و با توجه به نیاز جامعه جهانی به یک دیوان دائمی بین‌المللی کیفری، در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۴۸ اساسنامه این دیوان مورد تصویب قرار گرفت که بنابر ماده ۵ اساسنامه دیوان یاد شده، جنایت نسل‌زدایی نیز در صلاحیت این دیوان قرار گرفت. ماده ۲ کنوانسیون نسل‌زدایی، این جنایت را به این صورت تعریف نموده است: «در کنوانسیون حاضر نسل‌زدایی به معنی ارتکاب هر یک از اعمال زیر است که به قصد نابود کردن همه یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به عنوان گروه انجام گیرد:

الف) کشتن اعضای گروه؛

ب) ایراد جراحت جسمانی یا روانی شدید به اعضای گروه؛

ج) عمداً شرایطی را بر گروه تحمیل کردن به منظور آنکه موجب نابودی کلی یا جزیی آن شود؛

د) تحمیل اقداماتی به قصد جلوگیری از تولیدمثل در بین اعضای گروه؛

هـ) انتقال اجباری فرزندان گروه به گروه دیگر».

انوزلا (۱۳۹۷) روزنامه‌نگار و نویسنده برجسته مغربی در یادداشتی با عنوان «مغرب و عقب‌نشینی از جنگ یمن»، به تشریح دلایل خروج یکی پس از دیگری شرکای جنگ یمن از ائتلاف موسوم به «ائتلاف عربی» به رهبری عربستان پرداخته است. در این یادداشت آمده است: جنگی که عربستان سعودی و امارات عربی متحده علیه مردم یمن راه انداختند، به مرحله‌ای خطرناک ورود کرده و به نسل‌کشی مردم فقیر و یک بازی کثیف برای طرف‌های جنون‌زده‌ای مبدل شده که امنیت و جان شهروندان بی‌گناه برایشان اهمیت ندارد و روزانه تسلیحات مرگبار را روی آنها امتحان می‌کنند. عربستان و امارات که در ابتدا تحت عنوان بازگرداندن مشروعیت به یمن حمله کردند و از آن به عنوان جنگ بزرگ راهبردی برای صیانت از امنیت منطقه‌ای این دو کشور نام بردند، به مرور زمان آن را به جنگی خصمانه و انتقام‌جویانه مملو از جنایات جنگی مبدل کردند که عوامل آن از سوی قانون بین‌المللی مجازات خواهند شد.

۵. مراجع صالحه قضایی

مدارک محکمه‌پسندی از ارتکاب جنایات جنگ‌افروزان در یمن وجود دارد که از جمله می‌توان به اقداماتی که ناقض اصل تفکیک و عدم حمله به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه؛ بمباران مراکز غیرنظامی و قتل و عام غیرنظامیان و به خصوص کودکان و سالخورده‌گان، بمباران مراکز آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و زیرساخت‌ها، ممانعت به عمل آوردن از ارسال کمک‌های بشردوستانه و... که ارتکاب آن از سوی نیروهای عربستان و هم‌پیمانان این کشور به یمن

محرز بوده و لازم است با انجام تحقیقات بی‌طرفانه و همه‌جانبه پیگیری گردد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که مراجع صالحه برای پیگیری، تعقیب و مجازات ناقضین حقوق بین‌الملل در جنگ یمن، کدامند؟

۱-۵. دادگاه‌های یمن

اعمال صلاحیت نسبت به جرایم ارتكابی در قلمرو حاکمیت یک دولت از جلوه‌های حق حاکمیت آن دولت به‌شمار می‌رود. از این‌رو همه کشورهای حق تعقیب و مجازات کسانی را که در قلمرو سرزمین آنها مرتکب جرم شده‌اند، برای خویش محفوظ می‌دارند (صلاحیت سرزمینی). این صلاحیت، عام و دربرگیرنده همه جرائم، اعم از مهم و کم‌اهمیت است و شامل همه اشخاص، اعم از تبعه و بیگانه می‌شود (خالقی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷-۱۰۶). حال می‌توان گفت با توجه به اینکه جرائم مورد نظر غیرنظامیان و همچنین زیرساخت‌ها و مراکز بهداشتی و آموزشی و... که در قلمرو سرزمین یمن اتفاق افتاده است، دادگاه‌های یمن صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند.

۲-۵. دادگاه‌های عربستان و کشورهای عضو ائتلاف

قلمرو عربستان و کشورهای عضو ائتلاف محل وقوع جنایات مورد بحث نبوده است، ولی اصولاً، یکی از معیارهای اعلام صلاحیت دادگاه‌های يك کشور برای رسیدگی به جرائم ارتكابی در خارج از آن کشور، تابعیت مرتکبان این جرائم است. بر این اساس، معمولاً دولت‌ها صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط اتباع خویش در خارج از کشور را برای خود محفوظ می‌دارند (صلاحیت شخصی مثبت یا فعال). این صلاحیت، جنبه فرعی یا مکمل داشته و مبنای آن جلوگیری از بی‌کیفر ماندن تبعه‌ای است که پس از ارتکاب جرم در خارج از کشور به میهن خویش بازگشته و اصل ممنوعیت استرداد اتباع، مانع تحویل او به دادگاه‌های محل وقوع جرم شده است. اما با وجود تلاش‌های فراوانی که از سوی نهادهای حقوق بشری برای مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی در یمن صورت گرفته، اما به لحاظ عملی، چندان امیدی به تعقیب و مجازات همه مرتکبان و آمران جنایات ارتكابی در یمن در چارچوب نظام کیفری عربستان و کشورهای هم‌پیمان، وجود ندارد.

۳-۵. دادگاه‌های دیگر کشورها (صلاحیت جهانی)

دادگاه‌های سایر کشورها هم که نه محل وقوع جنایات مورد بحث و نه دولت متبوع متهمان بوده‌اند، ممکن است براساس اصل صلاحیت جهانی، واجد صلاحیت رسیدگی باشند. در حالی که اصل بر عدم صلاحیت محاکم بین‌المللی است، مگر آنکه صلاحیت با رضایت صریح یا ضمنی دولت‌ها به آنها اعطاء گردد، این محدودیت در دادگاه‌های داخلی نیست، و اصل بر امکان بسط

صلاحیت کیفری ملی و رسیدگی محاکم داخلی بر طبق قانون مقر دادگاه است، مگر آنکه این صلاحیت در حقوق بین‌الملل محدود شده باشد (خلف رضایی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). انجمن حقوق بین‌الملل در قطعنامه ۲۰۰۵ در مورد صلاحیت کیفری بین‌المللی راجع به جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی^۱ بیان داشته است که صلاحیت جهانی در امور کیفری، یک مبنای اضافی صلاحیتی است که یک دولت را قادر می‌سازد تا متهمین را بدون توجه به محل ارتکاب جرم یا هرگونه عامل تابعیت یا دیگر عواملی که توسط حقوق بین‌الملل شناخته شده است، تحت پیگرد و مجازات (در صورت محکومیت) قرار دهد.

مبنای صلاحیت جهانی را باید در چاره‌جویی برای جبران عدم اجرای صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی و واقعی که صلاحیت‌های معمول دولت‌هاست، یافت، تا به موجب آن دولت‌ها بتوانند و حتی گاه موظف باشند به برخی جرایم ارتكابی در خارج از کشور، قطع نظر از محل وقوع و تابعیت مرتکب یا قربانی، رسیدگی نمایند. در این حال، به دلیل عدم توجه به معیارهای متداول، نظیر محل ارتکاب یا تابعیت مرتکب یا قربانی جرم یا منافع دولتی خاص، معمولاً معیار «محل دستگیری» مرتکب برای اعمال صلاحیت جهانی در نظر گرفته می‌شود،^۲ هرچند که مواردی از «صلاحیت جهانی مطلق»^۳ که در آن معیار اخیر نیز نادیده گرفته شده، دیده شده است (خالقی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). به هر حال، عدالت اقتضاء می‌کند که مرتکبین جنایت‌های بین‌المللی از جمله جنایات جنگی که انزجار و نفرت همه انسان‌ها را برمی‌انگیزد، بی‌کیفر نمانند و اگر دولتی به هر دلیل، در تعقیب و محاکمه مرتکبین این جرائم که در قلمرو آن یا توسط اتباعش ارتکاب یافته‌اند، کوتاهی نماید، دولت‌های دیگر بتوانند با اعمال صلاحیت جهانی (حامد، ۱۳۸۵، ص ۳۸) نسبت به تعقیب و مجازات این جنایتکاران اقدام نمایند و چنین اقدامی نقض حاکمیت و استقلال دولت‌ها محسوب نگردد (فروغی، ۱۳۸۸، ص ۴۹-۲۱). اهمیت بی‌کیفر نماندن جنایتکاران جنگی نزد جامعه بین‌الملل به حدی است که در صورت صدور عفو عمومی پس از خاتمه مخاصمات، این عفو شامل جنایتکاران جنگی نمی‌شود (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷، ص ۲۷۷).

1. *Universal Criminal Jurisdiction with regard to the Crime of Genocide, Crimes against Humanity and War Crimes*, Institute of International Law, Seventeenth Commission, Krakow Session - Resolution (2005).

۲. به عنوان مثال، ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشوری که بدست آید، محاکمه می‌شود، اگر در ایران دستگیر شد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد».

3. Absolute universal jurisdiction

از منظر حقوق بین‌الملل عرفی، تکرار مواد (۴۹، ۵۰، ۱۲۹ و ۱۴۶) در چهار کنوانسیون می‌تواند نشانگر اهمیت موضوع و اثبات این امر باشد که کنوانسیون‌های ژنو ماهیت عرفی پیدا کرده‌اند. همچنین ماده ۱ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز که به تعبیری نقش قانون اساسی (کیک، ۲۰۰۹م، ص ۷۴۵) نسبت به این کنوانسیون‌ها ایفا می‌نماید، این امر را تایید می‌کند. تأکید بر «تکلیف» دولت‌ها به تعقیب و محاکمه مرتکبان نقض عمده کنوانسیون سوم ژنو به طور خاص، و جنایات بین‌المللی به طور عام، از ماهیت و سرشت جنایت بین‌المللی نشأت می‌گیرد که منافع کل جامعه بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بسیونی، ۱۹۹۹)، و به همین جهت می‌توان گفت کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ماهیت عرفی به خود گرفته است. براساس تاکید دیوان بین‌المللی دادگستری نیز کنوانسیون‌های ژنو، هنجارهای عرفی بین‌المللی از قبل موجود را نظام‌مند کرده است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۸۵م، ص ۳۰-۲۹). علاوه بر کنوانسیون‌های ژنو، رویه سازمان‌ها^۱ و همچنین رویه دولت‌ها نیز عرفی بودن قواعد این معاهدات را حمایت می‌نماید. اکثر اسناد و مدارک مربوط به حقوق بشردوستانه بین‌المللی مانند دستورالعمل‌های نظامی یا قوانین مصوب ملی در این رابطه در تطبیق با مفاد کنوانسیون‌های ژنو شکل گرفته است.

۴-۵. دیوان بین‌المللی کیفری

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری آنا از معاونت برون‌مرزی صدا و سیما، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نهم دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۸ آذر ۱۳۲۷)، در قطعنامه‌ای، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را موظف به تهیه پیش‌نویس اساسنامه تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری کرد. ۵۰ سال بعد، یعنی در هفدهم ژانویه ۱۹۹۸ میلادی (۲۷ دی ۱۳۷۶)، ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم، اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را امضاء کردند. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری با ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده به تصویب رسید. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری با الحاق بیش از ۶۰ کشور به آن، از اول ژانویه ۲۰۰۲ میلادی (۱۱ دی ۱۳۸۰)، لازم‌الاجرا شد و قریب به یک سال بعد از آن، این دادگاه کیفری با انتخاب قضات، دادستان و سایر مسئولان در مقر خود در لاهه هلند کار خود را آغاز کرد. مطابق مواد ششم، هفتم، هشتم و نهم اساسنامه رم، دادگاه بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به چهار جرم بین‌المللی شامل نسل‌زدایی، جنایات علیه انسانیت، جنایات جنگی و تجاوز جنگی، صلاحیت دارد. دادگاه بین‌المللی کیفری، دادگاهی مستقل و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی بوده و برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری،

۱. مانند قطعنامه‌های ۸۲۲ و ۸۳۵ شورای امنیت. قطعنامه‌های ۲۸۵۳ و ۳۱۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل.

یکی از ارگان‌های تابعه سازمان ملل متحد نیست. البته، سازمان ملل نقش قابل توجهی در تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری داشته است. در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری آمده است که این دادگاه فقط به جرائم بین‌المللی می‌پردازد. نکته حائز اهمیت این است که جنایت نسل‌زدایی و جنایت علیه انسانیت از جنایات جنگی منفک هستند؛ زیرا ممکن است این دو جنایت بین‌المللی هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح اتفاق بیفتند.

دادگاه بین‌المللی کیفری وظیفه تعقیب کیفری سران و اشخاص را به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی به عهده دارد. بسیاری از اقدامات نظامیان عالی‌رتبه و سران کشور عربستان سعودی در یمن، از مصادیق جرائم بین‌المللی است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری قید شده است. دادگاه بین‌المللی کیفری، در صورتی صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند که دولت کشور محل ارتکاب یا دولت متبوع مجرمان، اساسنامه آن دادگاه را پذیرفته باشند. اما به دلیل عدم عضویت عربستان سعودی و یمن در دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان صلاحیت رسیدگی به این جنایات را تنها در صورتی دارد که موضوع از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شود. همچنین اتباع برخی از کشورهای عضو دیوان نظیر چاد، نیجر و سنگال در ائتلاف سعودی علیه یمن، حضور و در جنایات ارتكابی نقش دارند. در نتیجه، دادستان دیوان با رویکرد مستقل حقوقی، می‌تواند رأساً تحقیقاتی در این خصوص آغاز نماید (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۹۷). با این حال، طبق اساسنامه این دادگاه، دولت‌ها می‌توانند صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری را به‌طور موردی درباره جنایاتی که در قلمرو آن یا توسط اتباع آن‌ها ارتکاب یافته است، بپذیرند. بنابراین، در این مورد دولت یمن می‌تواند چنین درخواستی از دادگاه بین‌المللی کیفری داشته باشد و با ارسال اعلامیه رسمی به دفتر دادگاه کیفری بین‌المللی، رسیدگی این دادگاه به جرائم ضد انسانی در یمن را خواستار شود.

در جنایت تجاوز و مطابق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه رم، هرگاه دادستان دیوان به این نتیجه برسد که دلایل منطقی کافی برای شروع تحقیق در خصوص ارتکاب تجاوز وجود دارد، وی در ابتدا می‌بایست به این نکته اطلاع حاصل نماید که آیا شورای امنیت در خصوص وقوع عمل تجاوز توسط دولت مورد نظر تصمیمی گرفته است یا خیر؟ دادستان موظف است دبیرکل سازمان ملل متحد را نسبت به وضعیت دیوان آگاه نموده و مفاد تمام اطلاعات و اسناد مربوطه را نیز به دبیرکل اطلاع دهد. هرگاه شورای امنیت تصمیمی در خصوص وقوع عمل تجاوز گرفته باشد، دادستان نمی‌تواند تحقیقاتی نسبت به موضوع فوق انجام دهد (صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۲۵)، از این‌رو تنها امیدی که برای محاکمه متجاوزان به حاکمیت‌های مستقل وجود داشت که از طریق دیوان کیفری بین‌المللی مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند، از بین رفت و از این‌رو پس از تأسیس دیوان، جامعه جهانی همچنان شاهد بروز

تهدیداتی واقعی و جدی از سوی رژیم‌هایی مانند آمریکا و رژیم بعث عراق خواهد بود، با این حال در حوزه پیگیری جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، دیوان کیفری بین‌المللی با این محدودیت‌ها مواجه نیست.

موضوع یمن می‌تواند از طریق شورای امنیت سازمان ملل به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع شود. دادگاه بین‌المللی کیفری موظف است صرف‌نظر از عضویت دولت مجرم یا جرم‌دیده، وضعیتی را که شورای امنیت سازمان ملل به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد، موارد نقض صلح تشخیص می‌دهد و به دادگاه بین‌المللی کیفری ارجاع می‌دهد، رسیدگی کند. رسیدگی دادگاه بین‌المللی کیفری به جرائم سعودی‌ها در یمن، نیازمند آن است که شورای امنیت، وضعیت موجود یمن را از موارد نقض صلح محسوب نماید. اما با توجه به سیاسی‌کاری شورای امنیت و حمایت آمریکا، انگلیس و فرانسه از جنایات عربستان سعودی، امکان تحقق این موضوع بعید به نظر می‌رسد و در صورت درخواست دیگر اعضای شورای امنیت نیز به احتمال زیاد، با وتوی دولت آمریکا مواجه خواهد شد.

۵-۵. دادگاه بین‌المللی خاص (موردی)

تا قبل از حصول توافق بر تأسیس یک مرجع کیفری دائمی بین‌المللی، نیاز جامعه جهانی به محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی از طریق تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی خاص یا موردی^۱ تأمین می‌شد (دادگاه‌های نسل اول). نمونه‌های نخستین این دادگاه‌ها، دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو هستند که پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، توسط کشورهای پیروز در جنگ (متفقین) برای محاکمه جنایات ارتكابی در جریان جنگ تشکیل شدند. با فروکش کردن آتش داغ جنگ جهانی دوم و برقراری فضای جنگ سرد میان دو قدرت بزرگ آن زمان، نیل به توافق نظر بر تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی دشوار می‌نمود، تا اینکه با فروپاشی بلوک شرق، زمینه برای رسیدن به این توافق هموار گردید. در چنین شرایطی و در پی اعلام استقلال برخی جمهوری‌های یوگسلاوی سابق، جنایات موحشی در این منطقه اتفاق افتاد که باعث دخالت شورای امنیت سازمان ملل براساس فصل هفتم منشور و تصویب قطعنامه ۸۰۸ مورخ ۱۹۹۳ برای تشکیل یک مرجع قضایی بین‌المللی به منظور محاکمه مرتکبین این جنایات شد. این تجربه برای رسیدگی به جنایات خاص در رواندا هم تکرار شد و شورا به موجب قطعنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۱۹۹۳ اقدام به تأسیس دادگاه بین‌المللی رواندا نمود. این شواهد نشان می‌دهد تأسیس دادگاه بین‌المللی خاص با صلاحیت ویژه برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی سازوکار دیگری است که جامعه جهانی می‌تواند آن را از طریق شورای امنیت

به کار بندد. بی‌شک چنین اقدامی، با توجه به محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند به عنوان اقدامی مناسب و شایسته برای جلوگیری از بی‌کیفری و پیشگیری از ارتکاب مجدد این جنایات محسوب شود. اما همانگونه که در مورد اقدام شورای امنیت برای ارجاع این وضعیت به دیوان گفته شد، با حضور آمریکا به عنوان عضو دارای حق وتو در این شورا، تردیدهای جدی برای تصویب چنین قطعنامه‌ای وجود دارد.

۵-۶. دادگاه بین‌المللی شده (مختلط)

از دیگر سازوکارهای موجود در سطح بین‌المللی برای تعقیب و مجازات جنایات بین‌المللی، تشکیل دادگاه بین‌المللی شده^۱ (مختلط) است. دادگاه مختلط، دادگاهی متشکل از قضات داخلی و بین‌المللی بوده که مقررات قابل اجرا در آن نیز مجموعه‌ای مشتمل بر قوانین داخلی یک کشور و قوانین بین‌المللی است. کشوری که قضات آن در کنار قضات بین‌المللی به کار رسیدگی می‌پردازند و قوانین آن در کنار قواعد حقوق بین‌الملل، مستند احکام دادگاه مختلط قرار می‌گیرد، کشوری است که صحنه وقوع جنایتی دهشتناک بوده که دادگاه مذکور برای آن تشکیل شده است. چنین محاکمی مزایای قابل توجهی دارند؛ از جمله آنکه، استفاده از قضات ملی سبب جلب اعتماد مردم آن سرزمین می‌شود، استناد به قوانین داخلی این کشور موجب ایجاد حس مشارکت در تنظیم واکنش مناسب در برابر جنایتی خواهد شد که نظم عمومی محل را برهم زده است، محل محاکمه و اجرای مجازات همان جایی است که این جنایات واقع شده که کشف حقیقت و دستیابی به ادله جرم را تسهیل می‌نماید و بالأخره مشارکت سازمان ملل و دولت ذی‌ربط در تشکیل و تأمین هزینه‌های این دادگاه، انجام محاکمه را که ممکن است به تنهایی برای آن دولت ممکن نباشد، مقدور می‌سازد و از تحمیل هزینه‌های سنگین بر بودجه سازمان ملل جلوگیری می‌کند. اقدام به تأسیس چنین دادگاهی توسط سازمان ملل، مستند به فصل هفتم منشور ملل متحد مبنی بر وظیفه شورای امنیت به ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی و با انعقاد معاهده‌ای میان شورای امنیت سازمان ملل و دولت ذی‌ربط صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر، برای رسیدگی به برخی جنایات بین‌المللی، دادگاه‌های مختلط تشکیل شده است. دادگاه‌های سیرالئون، کامبوج و لبنان (حیسی، ۱۳۸۳، ص ۹۷-۱۲۰) نمونه‌هایی از آن است که بر مبنای انعقاد موافقتنامه میان سازمان ملل و این دولت‌ها، و دادگاه‌های کوزوو و تیمور شرقی نمونه‌های دیگری از این دادگاه‌ها هستند که رأساً توسط سازمان ملل ایجاد شده‌اند. بدین ترتیب، با توجه به ابعاد جنایات ارتكابی در یمن، امکان اقدامی مشابه و تأسیس دادگاهی مختلط برای

رسیدگی به آنها وجود دارد. در آن صورت، به جهت حضور قضات خارجی و همچنین ناظرانی از سوی سازمان ملل در ترکیب این دادگاه، نقیصه عدم محاکمه نیروهای آمریکایی در یک دادگاه بین‌المللی می‌تواند جبران شود و نیز شائبه محاکمه ناعادلانه را از بین می‌برد. از سوی دیگر، چنین دادگاهی به جهت نقش‌آفرینی سازمان ملل متحد در تشکیل آن، می‌تواند از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار شود. هرچند فرصت مشارکت سازمان ملل می‌تواند با مخالفت دولت آمریکا مواجه شود.

۶. نتیجه‌گیری

حمله و تجاوز رژیم آل سعود به یمن، این کشور فقیر عربی را با بحران انسانی بزرگی مواجه کرده است. حملات هوایی ائتلاف سعودی در کنار نابودی زیرساخت‌های یمن باعث شده تا مردم یمن هیچ سرپناهی در جهت نجات جان خود نداشته باشند. در این شرایط محمد بن سلمان در باتلاق یمن گرفتار شده و برای نجات از این باتلاق، به دنبال دستیابی به یک پیروزی میدانی است؛ اما پیشرفت‌های موشکی انقلابیون یمنی باعث شکست بن‌سلمان در این مسیر شد. علاوه بر این، جامعه جهانی نیز ولیعهد سعودی را به عنوان یک جنایتکار می‌شناسد و در سفر وی به انگلیس، گروه‌های حقوق بشری علیه بن‌سلمان تظاهرات زیادی برپا کرده‌اند. به نظر می‌رسد که عربستان به دنبال آن بود تا با حمایت دونالد ترامپ در عرصه میدانی با دستیابی به یک دستاورد ملموس، زمینه را برای مذاکرات با انقلابیون یمن در جهت خروج از این بحران مهیا کند.

طبق گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، عربستان سعودی در جنگ یمن، با استفاده از بمب‌های خوشه‌ای که آمریکا در اختیارشان قرار داد، مناطق مسکونی استان صعده را بمباران کرد که بر اثر این حملات، ده‌ها غیرنظامی کشته شدند. کشتار، نابودسازی، آواره کردن دسته‌جمعی مردم، تبعید، تعقیب گروه‌های مذهبی، سیاسی و نژادی، ایجاد شرایط سخت معیشتی و بحرانی کردن اوضاع بهداشتی، حبس، شکنجه و تجاوز جنسی، جابجایی اجباری مردم کشور مورد حمله، محروم کردن از تحصیل، از بین بردن منابع غذایی مردم و جلوگیری از کمک‌های بشردوستانه، مصادیقی از ارتکاب جنایت علیه بشریت توسط رژیم سعودی در یمن می‌باشد. آیا این کارنامه قتل‌های سعودی در دادگاه کیفری همچون نورنبرگ و توکیو تحت پیگرد قرار خواهد گرفت؟ براساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، سران کشورها به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی نظیر جنایت علیه بشریت می‌توانند تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. امروزه افکار عمومی جهان منتظر روزی هستند که شورای امنیت از رویکردهای تبعیض‌آمیز و سیاسی دست بردارد و سران عربستان سعودی از جمله محمد بن سلمان وزیر جنگ این رژیم در یک «دادگاه کیفری ویژه» یا «دادگاه بین‌المللی کیفری لاهه» به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

منابع

- انوزلا، علی (۱۳۹۷). مغرب و عقب‌نشینی از جنگ یمن. خبرگزاری بین‌المللی تصویری ایران پرس. قابل دسترس در: <https://farsi.iranpress.com>
- چایساری، کیتی؛ ساک، کریانگ (۱۳۸۲). حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان. تهران: دانشور.
- حامد، سهیلا (۱۳۸۵). صلاحیت جهانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حبیبی، همایون (۱۳۸۳). بررسی محکمه صدام از دیدگاه حقوق بین‌الملل. پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۰، ص ۹۷-۱۲۰.
- خالقی، علی (۱۳۹۰). جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
- خلف رضایی، حسین (۱۳۸۹). مصونیت دولت در مواجهه با قواعد آمره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۸۵م.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۱). حقوق بشر در مخصصات مسلحانه. موسسه پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- صادقی، حسین؛ احمدیان، حسن (۱۳۸۹). دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن؛ امکانات و چالش‌ها. راهبرد، شماره ۵۶.
- صلاحی، سهراب (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل کیفری. تهران: انتشارات میزان.
- فروغی، فضل‌الله (۱۳۸۸). منشاء و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی. مطالعات حقوقی، ۱(۳)، ص ۴۹-۲۱.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۵). مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق عمومی، ۱(۴۶).
- کاظمی، احمد (۱۳۹۸). جنایات بین‌المللی، عربستان سعودی در یمن و چگونگی نقش آفرینی دیوان بین‌المللی کیفری (با تأکید بر رسالت رسانه‌های برون‌مرزی). پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۴(۴).
- ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی. تهران: میزان، چاپ سوم.
- منتظران، جاوید (۱۳۹۷). جنایات عربستان و پیگرد آن در دیوان بین‌المللی کیفری. شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی.
- Adra, N. (2013). *Women and Peace Building in Yemen; Challenges and Opportunitie*. Available at: www.peacebuilding.no/var/ezflow_site/storage/original/a
- Andreopoulos, J.G. (1994). *Genocide: Conceptual and Historical Dimensions*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Bassiouni, M.C. (1999). *Crimes Against Humanity in International law*. Dordrecht, London & Boston: Kluwer law International 2 ed.
- Best, G. (1994). *The Permanent Revolution: The French Revolution and its Legacy, 1789-1989*. University of Chicago Press, Chicago.
- Dormann, K., Doswald-Beck, L. & Kolb, R. (2009). *Element of war crimes under the Rome statute of the international criminal cour: sources and commentary*. Cambridge university Press.

- GIULIO COPPI (2018). *The Humanitarian Crisis in Yemen: Beyond the Man-Made Disaster*. IPI Publications. URL= <https://www.ipinst.org/wp-content/uploads/2018/01/IPI-Rpt-Humanitarian-Crisis-in-Yemen.pdf>
- Goldman, R. & Tittlemore, B.D. (2002). *Unprivileged Combatants and the Hostilities in Afghanistan: Their Status and Rights Under International Humanitarian and Human Rights Law*. The American Society of International Law, ASIL Task Force Papers.
- Graham, L. (2020). *Prosecuting Starvation Crimes in Yemen's Civil War*, 52 *Case W. Res. J. Int'l L.* 267. Available at: <https://scholarlycommons.law.case.edu/jil/vol52/iss1/14>. P.278
- Hegl, G.W. (1998). *Principes de la philosophie du droit*. Quadrige.
- Isa, B. (2011). *Chaos in Yemon: Societal Collapse and the New Authoritarianism*. Routledge.
- Keeke, O.R. (2009). The Grave breaches Regime and Universal Jurisdiction. *Journal of International Criminal Justice*. no.7, p. 743-761.
- Matheson, M.J. (2006). *Council Unbound: The Growth of UN Decision Making on Conflict and Postconflict Issues after the Cold War*. Washington, D.C.: U.S. Institute of Peace.
- Miliband, D. (2018). *On the Crisis in Yemen*.
- Qureshi, W.A. (2020). *The Crisis in Yemen: Armed Conflict and International Law*, 45 *N.C. J. INT'L L. & COM. REG.* 227. Available at: <https://scholarship.law.unc.edu/ncilj/vol45/iss1/5>
- Untangling the Yemen Crisis*. American University Washington College of Law, 2020. URL= https://digitalcommons.wcl.american.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2823&context=facsch_lawrev